

نام و نام خانوادگی:

مقطع و رشته: یازدهم ریاضی و تجربی

نام پدر:

شماره داوطلب:

تعداد صفحه: سؤال: ۳ صفحه

جمهوری اسلامی ایران

اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران

اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران

دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت

امتحانات پایان نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۴ - ۱۴۰۳



www.sarayedaneh.com

021-2936



نام درس: نگارش

نام دبیر: سیده مهسا مهدویان

تاریخ امتحان: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

ساعت امتحان: ۳۰:۰۷ صبح / عصر

مدت امتحان: ۷۵ دقیقه

نمره به عدد:		نمره به حروف:	نمره تجدید نظر به عدد:		نمره به حروف:	نام دبیر:		تاریخ و امضا:	نام دبیر:		تاریخ و امضا:	محل مهر و امضا مدیر	
نام دبیر:		تاریخ و امضا:	نام دبیر:		تاریخ و امضا:	نام دبیر:		تاریخ و امضا:	نام دبیر:		تاریخ و امضا:	محل مهر و امضا مدیر	
نام دبیر:		سؤالات										نام دبیر:	
۱		الف) بازشناسی متن زیر را بخوانید سپس زمان و مکان و فضای نوشته را شرح دهید. یکی از روزهای شهریور سال ۹۴ همراه پدر بزرگم به دامن طبیعت پناه بردیم. این روز برای من به یاد ماندنی شد. پدر بزرگم مانند یک آموزگار مهم‌ترین درس زندگی را به من آموخت. آموختم، کوه یعنی با هم بودن کسی نباید از دیگران پیشی بگیرد. گروه باید با هم حرکت کنند. باید به طبیعت احترام بگذاریم. طبیعت بکر و زیبا، تنفس هوای پاک، گل‌های خودرو دامنه کوه، چشمه آب روان و تا مدت‌ها در ذهنم باقی ماند و سخنان ناب پدر بزرگم که نگرش و نگاه مرا تغییر داد. زمان و مکان: فضای نوشته:										۱	
۲		با توجه به متن زیر شخصیت مولانا را تحلیل کنید؟ مولانا مردی باریک اندام و لاغر بود. چشمانی جذاب داشت. اهل صلح و سازش بود. همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت او را بردباری و تحمل عظیم بخشیده بود. طوری که طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حسن خلق، آنان را به راه راست می‌آورد. ویژگی ظاهری: ویژگی رفتاری:										۱	
صفحه ۱ از ۳													

۱/۵	۳ (ب) سازه‌های نوشتاری یکی از مثل‌های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید. الف) بار کج به منزل نمی‌رسد. ب) از این گوش می‌گیرد و از آن گوش درمی‌کند.	۳
۱/۵	۴ بیت زیر را بخوانید و درک و دریافت خود را از آن بنویسید. «دائم گل این بستان شاداب نمی‌ماند دریاب ضعیفان را در وقت توانایی	۴
۱	۵ حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید. «زاهدی گفت: روزی به قبرستان رفتم و بهلول را در آنجا دیدم پرسیدمش این‌جا چه می‌کنی؟ گفت: با مردمانی همنشینی همی‌کنم که آزارم نمی‌دهند اگر از عقبی غافل شوم یادآوریم می‌کنند و اگر غایب شوم غیبتم نمی‌کنند.»	۵
صفحه ۲ از ۳		

(خوش آغازی - ۱ نمره) (بندهای بدنه حداقل سه بند ۸ نمره) (خوش فرجامی - ۱ نمره) (رعایت علایم نگارشی - ۱ نمره) (رعایت املاي واژگان - ۱ نمره)

۶ یکی از موضوعهای زیر را انتخاب کنید و متنی بنویسید.

الف) یکی از مراسم آیینی یا باستانی محل زندگانی‌تان را توصیف کنید.

ب) با رعایت مراحل نوشتن سفرنامه‌ای بنویسید.

ج) با رعایت مراحل نوشتن، متن گفت‌وگو با موضوع «خدا و انسان» بنویسید.



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران
دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت
کلید سؤالات پایان نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳



www.sarayedanesh.com



021-2936

نام درس: نگارش یازدهم کلیه رشته‌ها
نام دبیر: سیده مهسا مهدویان
تاریخ امتحان: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴
ساعت امتحان: ۰۷:۳۰ صبح / عصر
مدت امتحان: ۷۵ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	زمان: یکی از روزهای شهریور سال ۹۴ مکان: دامن طبیعت فضای نوشته: خاطره	
۲	ویژگی ظاهری: باریک اندام / لاغر / چشمانی جذاب ویژگی رفتاری: بردبار / نرمی و حسن خلق / اهل صلح و سازش	
۳	ب) این ضرب المثل را در مواقعی به کار می برند که هر چه قدر افراد یک شخص را نصیحت کنند یا با او در مورد موضوعی صحبت کنند آن شخص اهمیتی نمی دهد و کار خود را ادامه می دهد.	
۴	منظور این بیت این است که همیشه انسلن ها در زندگی شان شاد و خوشحال نیستند و ممکن است اتفاقات بدی رخ دهد و باید در حد توان به یکدیگر کمک کنیم.	
۵	روزی از روزها زاهدی درباره بهلول خاطره ای به یک شخص گفت: یک روز تصمیم گرفتم که به قبرستان بروم و در آن جا بهلول را دیدم که در کنار قبرها نشسته بود. سپس از او پرسیدم این جا چه کار میکنی و چرا آمدی بهلول گفت: با افرادی صحبت می کنم که مرا آزار نمی دهند و اذیت نمی کنند و اگر کاری را فراموش کنم به من یادآوری می کنند و اگر در جایی که آن ها هستند حضور نداشته باشم غیبت نمی کنند.	
۶	انشا نویسی	
جمع بارم : ۲۰ نمره		نام و نام خانوادگی مصحح : سیده مهسا مهدویان امضاء: